



موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

به نام خدا

نام و نام خانوادگی:

پ پ



نوآموز عزیزم: از روی متن چند بار با صدای بلند بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده.

در یک روز زیبای پاییزی شاپرک و پروانه در آسمان پرواز می‌کردند. آسمان پر از پرنده بود. پروانه دوستش پرستو را در آسمان ندید. پرستو بیمار بود. پروانه برای پرستو یک پاکت پسته آورد و شاپرک برای او سوپ پیاز درست کرد. پس از یک روز پرستو توانست پرواز کند. آن سه دوست با شادی پرواز کردند تا به پارک رسیدند. در پارک پینه‌دوز پیر را دیدند. پینه‌دوز به آنان یک توپ داد. شاپرک توپ را پرتاب کرد. توپ از پارک به پشت دیوار رسید. توپ پیدا نشد. پشه به آنان کمک کرد تا توپ را پیدا کنند.



- ۱) آسمان پر از چه چیزی بود؟
- ۲) شاپرک با پروانه در چه روزی پرواز می‌کردند؟
- ۳) پروانه چه چیزی برای پرستو برد؟
- ۴) شاپرک برای پرستو چه چیزی درست است؟
- ۵) آن سه دوست به کجا رفتند؟
- ۶) چه کسی به آنان کمک کرد تا توپ را پیدا کنند؟

بازخورد:

Blank space for student feedback.

